پیکار پامیر ۲۰۱۷/۰۲/۰۱

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی
(بخش 73)
عصیان افراد ارتش افغانستان دربرابرافسران خارجی

این نکته را نیزباید متذکرشوم که به سلسلهٔ تحرکات، حملات وعملیاتِ انفجاری و انتحاری گروه های وابسته به پاکستان، دراوایلِ سال 2012 میلادی، یک سربازمسلح افغان درولایت کاپیسا، به تعداد چهارتن ازسربازانِ فرانسه را که مشغولِ تمریناتِ نظامی بودند، به گلوله بست. عملی که قبلاً نیزدرمواضع مختلف وتوسطِ افرادِ مسلحِ یونیفورم دارعلیه خارجی ها انجام داده شده بود. پس ازاین رویداد، " سرکوزی" رییس جمهورفرانسه اعلام نمود که نیروهای مسلح آن کشور را زود تراز موعد، یعنی درسال 2013میلادی از افغانستان خارج خواهد نمود. گمانه زنی هایی که پس از وقوع این حادثه درمیانِ حلقاتِ دولتی و نیروهای خارجی صورت گرفت، این بود که گو یا گروه طالبان موفق شده اند، افرادِ نفوذی شان را درچهارچوب وزارت دفاع و قطعاتِ عسکری افغانستان نیزجابجا نمایند. روی همین تحلیل و برداشت بود که مقام های وزارت دفاع افغانستان درماه فبروری 2012م اعلام نمودند که مصمم هستند افراد اطلاعاتی مربوط به ادارهٔ امنیت ملی را با یونیفورمِ سربازی درصفوفِ عساکر بفرستند تا سایرسربازان و افسران را زیرنظرداشته گزارشهای شان را وقتاً فوقت به ادارهٔ مربوط بسپارند. این موضوع نیزدرحلقاتِ دولتی افغانستان مطرح گردید که اگرشخصی برای خدمتِ سربازی درخواست میدهد، ولی اعضای خانواده اش درخاکِ پاکستان بسرمیبَرد، به صفوفِ عسکری پذیرفته نخواهد شد، مگر که اعضای فامیلش را به وطن برگرداند. آگاهانِ سیاسی گفتند که هردو طرحِ متذکره، نسبتِ موجودیتِ یک سلسله حقایق و موانع دیگر، کار سازنخواهد بود. با درنظرداشتِ سیاست های پیچیده و پشت پردهٔ برخی ازکشورهای اروپایی، بخصوص سیاست های رژیم فرانسه درقبالِ گروه طالبان، کشته شدن چهارسربازفرانسوی درولایت کاپیسا ومتعاقبِ آن، اعلان رسمی آن کشورمبنی برخروجِ پیش از وقت نیروهایش ازافغانستان را نه تنها ازجملهٔ پیروزی های زود رسِ گروه تروریستی طالبان میتوان محسوب نمود، بلکه حتا این حادثه واین تصمیمِ عاجلِ سیاسی – نظامی را درعین حال نمیتوان دورازیک تبانی و یا معاملهٔ مخفی میان فرانسویها و گروه طالبان به منظورِ بزرگ سازی گروه مذکوردرافغانستان و بهانه یی غرض خروج شتابندهٔ نیرو های فرانسه ازاین کشور دانست .

البته پس ازکشته شدنِ سربازانِ فرانسوی توسطِ سربازارتشِ افغانستان، چند رویدادِ مشابه دیگرنیزدرپایگاه های مختلفِ ارتش صورت گرفت که نگرانی های کشورهای ذیدخل درامورِ افغانستان را افزایش داد. چنانکه یکی ازجنرال های بلند پایهٔ امریکایی بنام "هارولدگرین" نیز به روز پنجمِ ماه آگست 2014م قربانی چنین اقدامِ مخاصمانهٔ یک سربازِ افغان دردانشگاهِ دفاعی واقع قرغه درحومهٔ شهرکابل گردید. گفته شد که قاتلِ این جنرالِ دوستارهٔ امریکایی، سربازِ جوانی بنام رفیق الله ازولایتِ کاپیسا بود. هرچند جزئیاتِ بیشتر پیرامونِ تعداد واقعی کشته شده ها و زخمی های ناشی ازاین اقدام افشا نشد، اما برخی از رسانه ها نوشتند که تعداد دیگری ازافسرانِ خارجی نیز کشته و یا زخمی شدند.

متعاقبِ همین حادثهٔ خونین بود که " نیویارک تایمز" دراوایل ماه آگست 2014م نوشت که **" گروه طالبان و القاعده در ارتشِ افغانستان رخنه کرده اند ... ما به طالبان آموزش میدهیم تا ما را بکشند و افغانستان را پس بگیرند."**

روزنامهٔ مذکورعلاوه نمود که " افرادِ نفوذی، بیست و پنج درصد {87500نفر} مجموع افرادِ ارتشِ افغانستان را تشکیل میدهند. البته سخنگوی وزارت دفاع افغانستان این ادعا را بگونهٔ رسمی رد نمود.

کنفرانس استانبول راجع به آیندهٔ افغانستان

یکی دیگرازتحرکات پیرامونِ اوضاع افغانستان، تدویرکنفرانس استانبول بود، البته قبل ازکنفرانسِ دومِ بُن ودرهفتهٔ اولِ ماه نوامبر2011م به اشتراکِ کشورهای افغانستان، چین، ایران، قزاقستان، قرغزستان، پاکستان، روسیه، عربستان سعودی، تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان و امارات متحدهٔ عربی دراستانبول، یکی ازشهر های مشهورترکیه دایرشد. دراین کنفرانس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، جاپان، ناروی، هسپانیه، سویدن، برتانیا، امریکا، سازمان ملل و اتحادیهٔ اروپا بمثابهٔ ناظران اشتراک داشتند. گفته شد که کنفرانسِ استانبول، مقدمه و تنظیم کنندهٔ کنفرانسِ دومِ بین المللی خواهد بود که درماه دسامبر سال 2011م دایرخواهد.

درگزارشها گفته شد که درکنفرانس استانبول، به تعداد چهل و چهار وزیرِامورخارجه اشتراک داشتند .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

درعین زمان، نشست سه جانبهٔ (افغانستان، پاکستان و ترکیه) به اشتراکِ روسای جمهورِهرسه کشور (حامد کرزی، آصف زرداری و عبدالله گلُ) درهمان کشور دایر گردید. البته نشست های سه جانبهٔ دیگر نیز قبلاً درکشور ترکیه صورت گرفته بود که نتایج روشن، ملموس و منطقی آن هیچگاه به کسی معلوم نشد. نخستین نشستِ سه جانبه درسال 2007 میلادی به اشتراکِ حامد کرزی ، جنرال "پرویز مشرف" و " احمد نجدت سزر" به میزبانی دولت ترکیه دایرگردید و پس ازآن نیز چنین نشست ها درسالهای 2008 و 2010 میلادی ادامه یافت و رهبران سه کشورِمنطقه، بار دیگردرماه نوامبر2011م درترکیه گِردهم آمدند. هرچند هدفِ این نشست،" نزدیک سازی دوکشورافغانستان و پاکستان" و " جلبِ همکاری پاکستان درتأمینِ امنیتِ افغانستان" و " گسترشِ همکاریهای منطقه یی" وانمودشد، اما افغانها به نتایج مثبت و عملی آن اعتقادی نداشتند. درکنفرانسِ استانبول، علاوه ازآنکه روی " مبارزه ی مشترک علیه تروریسم "، همکاری پاکستان درتأمینِ امنیتِ افغانستان وعدم دخالت درامورِ یکدیگر، همانند سایرِ نشست ها و کنفرانسها تأکید گردید، فیصله بعمل آمد تا کنفرانسهای دیگری نیز درسال آینده (2012م) در تاجکستان و کابل تایر شود. "صالحی"وزیرِامورِخارجهٔ جمهوری اسلامی ایران دراین کنفرانس، یکباردیگرمخالفت اش را علیه امضای پیمان استراتژیک افغانستان – امریکا و ایجاد پایگاه های نظامی آن کشور، بمثابهٔ موضعگیری رسمی حکومت ایران اعلام نموده اظهار داشت : **" برنامه های نسنجیده و غیر سازنده ی نیرو های ناتو و امریکا در افغانستان، جز تهدیداتِ امنیتی جدی برای منطقه وجهان، رشدِ تروریسم، افزایشِ تولید و قاچاقِ مواد مخدر و کشتارِ وسیع غیر نظامیان، نتیجه ای نداشته است ..."**

با آنهم، هردو جانب (ایران و افغانستان)، پس ازدیدارها وتمهیداتِ مقدماتی، یک موافقتنامهٔ همکاری دو جانبه را درماه سپتمبر سال 2012 میلادی در کابل به امضا رسا نیدند. این موافقتنامه، درپنج فصل و 56 بند ترتیب شده و همکاریهای اقتصادی، امنیتی و گسترشِ روابطِ هردوطرف را احتوا میکند. گفتنی است که قبل ازآن، اجلاسِ سرانِ کشور های غیرمتعهد درتهران دایر شده و هیأت های افغانستان، هند و ایران در حاشیهٔ این اجلاس، دیدارهای جداگانه یی را به راه انداختند. درآن شب و روزگفته شد که منظورِعمدهٔ این سه کشورازاین دیدار، تمرکزبالای تقویتِ همکاریهای اقتصادی و سرمایه گزاری درموردِ بندر" چابهار" ایران بعنوان بندرساحلی و استفادهٔ تجارتی ازآن میان هرسه کشورِمتذکره بوده است. همچنان منابع رسمی درآستانهٔ این تماسها و دیدارها گفتند که سالانه به ارزش دو ملیارد دالر کالا از مسیرِ بندرِ عباس و از راه ایران وارد افغانستان میشود.

آنچه موازی با امضای چنین موافقتنامه ها موجباتِ نگرانی جوانب مربوط را بارآورده بود، این بود که ایالات متحدهٔ امریکا، بخاطرتلاشِ مقام های ایرانی درجهتِ دسترسی به سلاح هسته یی، تحریم های اقتصادی سنگینی را ازطریق سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران وضع نموده بود. درعینِ حال رژیم های افغانستان وایران میکوشیدند روابط سیاسی و همکاریهای تجارتی شان را بیشترازپیش تقویت نمایند که این خود، تاجرانِ افغانستان را به لحاظ وابسته گی همه جانبهٔ این کشور به ایالات متحدهٔ امریکا، تحت فشارعجیبی قرارداده بود. مقام های امریکایی گفته بودند که اگرشرکت های افغانی به هشدارهای سازمان ملل مبنی برتحریم های اقتصادی علیه ایران توجه نکنند، درلیست سیاه امریکا قرارخواهند گرفت. موضوع دیگری که درهمین شب و روز مایهٔ تشویشِ مردم افغانستان گردیده بود، عبارت ازاین بودکه ایران با استفاده ازفرصت و برقراری روابطِ خاص با مقام های افغانی، برای آنکه بتواند اثراتِ شدیدِ تحریم های بین المللی را بکاهد، روزانه چندین عراده تَرَک مملواز واحدِ پول (ریال) را بخصوص در ولایت هرات افغانستان وارد نموده و بوسیلهٔ آن، دالرامریکایی مورد نیازش را ازبازارهرات خریداری و به ایران انتقال میدهد. آگاهانِ مسایلِ اقتصادی میگفتند که این اقدام، روندِ پولی افغانستان را برهم زده باعث پایین آمدنِ نرخ واحد پولی این کشورو بالا رفتنِ نرخ دالر خواهد شد.

سفر پرویزمشرف به امریکا و سخنانش علیه افغانستان

موازی با تدویرِکنفرانسِ استانبول، جنرال پرویزمشرف رییس جمهورِسابقِ پاکستان که درسالهای زمامداری اش، جفا ها و گستاخی های بیشماری علیه ملت افغانستان انجام داد، درحالیکه ظاهراً در حالتِ تبعید درلندن بسرمی بُرد، بصورت برنامه ریزی شده یی به ایالات متحدهٔ امریکا مسافرت نمود و طی یک سلسله کنفرانسها و مصاحبه ها با رسانه ها ی آن کشور، یکباردیگراظهاراتِ خصمانه، تحریک آمیز و کاذبانه یی بعمل آورد که بازهم نیاتِ رهبرانِ پاکستان و استراتژی آن کشور پیرامونِ افغانستان را به نمایش گذاشت. مثلاً، جنرال مذکورطی یک سخنرانی، خطاب به امریکایی ها و گزارشگرانِ خارجی که حضورداشتند، گفت : **" طالبان وقتی سر بر آوردند که تاجکهای افغانستان درحالیکه تنها هشت فیصد نفوس آن کشور را تشکیل میدهند، قدرت حاکمه را غصب نموده و پشتون ها را که پنجاه فیصد نفوس را میسازند، از قدرت حاکمه محروم ساختند. . . قدرتی که پشتونها همیشه آنرا در اختیارداشتند... "** وی افزود که : **" از روز استقلالِ ما تا کنون، افغانستان همواره بر ضد پاکستان بوده است ، زیرا روسیه و هند همواره روابط بسیار خوب با این {افغانستان} داشته است.ما دیگر به چنین کاری نباید اجازه دهیم . . . اگر پاکستان به آی. اس. آی هدایت دهد که برای حفاظت از منافع ما در افغانستان تدابیر لازم را اتخاذ کند، ما نباید تأخیر کنیم... پس ازسال 2014 میلادی و زمانیکه سر بازانِ خارجی از افغانستان بیرون میشوند، جنگ های داخلی در این کشور شعله ور خواهند شد. . . " (295)**

این موضعگیری خصمانه و اظهاراتِ علنی جنرال " مشرف "، یکباردیگراین واقعیت را آشکار ساخت که قدرت وصلاحیتِ اصلی درتعیینِ سیاستِ خارجی واستراتژی ملی پاکستان نه در اختیارآصف علی زرداری یا سایرحکومت های مُلکی آن

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

کشور، بلکه بصورت خاص درکفِ نظامیانِ پاکستان و بخصوص، درحیطهٔ شبکهٔ جاسوسی ارتش آن کشور (آی.اس.آی) بوده و شبکهٔ مذکوراز هیچنوع تفتین، تفرقه اندازی، تخریب و ویرانگری درداخل افغانستان دریغ نداشته و ندارد.
این تنها نبود. "حسین حقانی" سفیرپاکستان در واشنگتن نیزدرهمین شب و روز اظهاراتی داشت . مثلاً، خطاب به مقاماتِ امریکایی گفت : **" اگر امریکا خواهان ملا عمر هست، برایش نامه بفرستد تا به مذاکره و گفت و گو حاضر شود و ما تلاش میکنیم تا انجام مذاکرات میان اعضایی از گروه طالبا ن را که به آنها دسترسی داریم، تسهیل کنیم..."** باز، سفیرمذکورافزود **" سوالی که همچنان پا برجاست اینست که آیا شورشیان که بسیاری از آنها همچنان در پاکستان مخفی هستند، مذاکره کننده گانِ راغبی هستند یا خیر؟ اسلام آباد هرکاری انجام خواهد داد تا انجامِ مذاکرات میان تمام اعضای طالبان را که ما به آنها دسترسی داریم، تسهیل کند..."**
این اظهارات، درعینِ حال، درحُکمِ اعترافِ رسمی مبنی برموجودیتِ گروه های تروریستی طالبان و غیرطالبان درخاک پاکستان نیزبوده این معنی را تداعی میکند که کلیدِ کلیه نا امنی ها، کشتار ها و بی سر و سامانی های افغانستان درکفِ حکومت مدارانِ پاکستان میباشد. چنانکه منابع غربی، بخصوص منابع مطلع امریکایی به کرات گفته اند که **" اولین بار حملات ِانتحاری در افغانستان، بصورت زنجیره ای در میرامشاه مرکزِ وزیرستان شمالی در اردوگاه های متعلق به شبکه ی حقانی و در مرکزِ قدرت سراج الدین سازماندهی شد."** منابع مذکور گفتند که **" در این شبکه ی تروریستی، طالبان افغانی و پاکستان، نفاذِ شریعت، جیش المسلمین، لشکر انصار، جماعت الدعوه، جنگجویان مصری، چچنی، نیرو های ازبک تبار وابسته به حزب حرکت اسلامی ازبکستان، انتحاری های ایغوری، اندونزیایی، بنگله دیشی، لشکر جهنگوی، سپاه صحابه، عربها و حتی افرادی ازگروه های کشمیری مانند لشکر طیبه و دیگر خارجی ها فعالیت دارند. "**
البته این گفته ها به اعترافاتِ رسمی سفیرپاکستان درواشنگتن، " حنا ربانی کهر" وزیر امورخارجهٔ آن کشور، سخنگوی ارتش پاکستان و دیگران، مطابقتِ کامل دارد.
بقولِ " شبکهٔ اطلاع رسانی افغانستان "، برید جنرال صدیقی، یکی ازجنرالانِ متقاعدِ پاکستان که درسالهای زعامتِ جنرال پرویز مشرف وظایف رسمی انجام میداد، طی یک مصاحبه با روزنامهٔ " دی نیوز" آن کشور با صراحت گفته است که **" طالبانِ افغانستان نیرو های ریزف { ذخیرهٔ } ارتش پاکستان هستند که درصورتِ ضرورت، برای تخریبِ افغانستان و همچنان علیه هند ازآنها کار گرفته میشود.**
به سلسلهٔ همین اعتراف های وقتاً فوقتِ مقام های بلند رتبهٔ پاکستانی مبنی برحمایت ازگروه تروریستی طالبان، اینک بجا خواهد بود بخشهایی ازیک مصاحبهٔ رسمی جنرال اسد درانی سابق رییس شبکهٔ جهنمی (آی.اس.آی) را در اینجا درج نماییم تا خواننده بداند که ظرف چند دههٔ پسین، چه تیر های زهرآگینی ازآن طرف به جان ملت غمدیدهٔ افغانستان شلیک شده است ؟ قبلاً باید علاوه نمایم که این مصاحبهٔ رسمی جنرال درانی با مهدی حسن خبرنگار الجزیره دردانشگاه آکسفورد لندن صورت گرفته و ترجمهٔ آنرا روزنامهٔ هشت صبح بتاریخ بیست ونهم ماه حمل سال 1394خورشیدی به نشررسا نید:
خبرنگار: جنرال درانی !آیا از نقش پاکستان به ویژه آی.اس.آی یا سازمان استخبارات نظامی آن کشور که شما زمانی رییش بودید در ایجاد جنبش طالبان، پشیمان هستید؟ **جنرال درانی :** آنچه را که ما انجام دادیم یکی از نیاز های شرایط آن زمان بود. تا هنوز هم از آنچه انجام شده است ، پشیمان نیستم و من فکر میکنم که ما آن طوری که لازم بود، بازی کردیم.
خبرنگار: با توجه به آنچه که شما گفتید و اتفاقاتی که بعداً درافغانستان از زمان سقوط اتحاد جماهیرشوروی و مجاهدین رُخ داد، اگربه گذشته نگاه کنیم شما گفته اید که اگر دو باره برگردید، عین بازی را ادامه خواهید داد. این درحالیست که شما زمانی دست اندرکار همین سیاست بودید؟
جنرال درانی: یکی نیست که بازی را اندکی بهتر از آنچه انجام یافت، انجام میدادم. **خبرنگار:** وقتی میگویید "بازی بهتری" انجام میدادید، به چه معناست؟ آیا طالبان بیشتری را تجهیز و آموزش میدادید یا طالبان کمتری را...؟
جنرال درانی : (باخنده): نه. بعد از خروج اتحاد جماهیرشوروی، مجاهدین قادر به ایجاد حکومت نشدند و به همین خاطر گروه طالبان ظهورکرد...
خبرنگار : بعد ازسقوط اتحاد جمهاهیرشوروی و درواقع تا همین اواخر، شما بصورت مستمراز طالبان حمایت کردید، آنها را آموزش داده و تجهیز کردید و تنها دلیلی که آنها قادر شدند دو باره خود را احیا کنند نیز همین بود که دولت، ارتش و استخبارات پاکستان آنها را حمایت کرد و این واقعاً ظالمانه بود، مگر نه ؟
جنرال درانی : بعد ازسال 2001 و بعد ازاشغالِ افغانستان، طالبان نخستین گام را برای مصالحه با رژیم کابل برداشتند، اما جدی گرفته نشد. اگرآنها دوباره خود را احیا کردند، دلیلش این است که میخواهند دربرابرِاشغالِ خارجی مقاومت کنند، یک برسه حصهٔ مردم افغانستان نیست به طالبان همسویی دارند...
خبرنگار: اگرمنظورشما اینست که آنها حمایتِ مردمی دارند، در این شکی نیست. طالبان نمایندهٔ بخشی ازجامعهٔ افغانستان اند. اما شما تلاش کردید آنها را شاملِ روندِ سیاسی بسازدید. این به معنای آن است که شما از آنها به صورت مخفیانه حمایت کرده و تجهیز شان کردید تا در افغانستان دست به انفجار و انتحار بزنند...
جنرال درانی : میخواهم بگویم که چگونه ممکن بود تا کسی با آنها وارد مذاکره شود، مگر این که صاحبِ مقداری قدرت و نفوذ نمی بودند. به همین دلیل هم بود که درسال 2002 درخواست آنها برای مصالحه را کسی جدی نگرفت...

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

خبرنگار: این دقیقاً یک روش بسیارقدیمی است که میگویدهدف وسیله را توجیه میکند...
جنرال درانی : من فکر میکنم این یک روش بسیار مدرن هم است. به خاطراینکه اگر یک جناح صاحب نفوذ و قدرت نباشد، هیچ کس حاضر به گفت و گو و مذاکره با آنها نخواهد بود. در واقع گفت و گواز موضع قدرت، یک مسألهٔ حیاتی است .
خبرنگار: به نظر میرسد که شما هم به نعل می زنید و هم به میخ ؟ از یک طرف شما طرفدارِ گفت و گو با آنها هستید و ازجانبِ دیگر میگویید که آنها صرفاً زمانی میتوانند برای گفت و گو آماده شوند که برای شان اسلحه داده شود تا انتحار و انفجار به راه اندازند. این هردو کمی در تناقض با هم اند.
جنرال درانی : اگریک گروهِ شبه نظامی قومی متشکل از20تا 25 هزارجنگجو به حمایت یک دولت که از سوی دیگران " دولت شکست خورده " یا روبه زوال خطاب میشود، قادر به این میشود که به این حد ازقابلیت و موفقیت دست یابد، من از حاضرین در این تالار میخواهم تا برای طالبان و حامیان شان یک کف ِمحکم بزنند.
خبرنگار : برای طالبان کف بزنند ؟!
جنرال درانی : بلی ، کاملاً
خبرنگار: شما درموردِ مقاومت علیه حضورِ نیروهای خارجی صحبت کردید. بیایید کمی این مسأله را بررسی کنیم. به نقل ازسازمانِ مللِ متحد، ازمجموع سه تا چهارهزار تلفاتِ مُلکی درسالِ گذشته، طالبان مسوولِ قتل 75 درصد آنان اند. آیا این چیزی است که باید به خاطرش برای طالبان کف زده شود؟
جنرال درانی : چند نفر به واسطهٔ نیرو های خارجی کشته شده اند ؟
خبرنگار: شاید چیزی کمتر از 25 درصد
جنرال درانی: شاید هم کمتر، اما من به خاطر دعوا برسرِ ارقام این جا نیامده ام.
خبرنگار : شما شخصِ تحصیلکرده، جنرالِ باز نشسته و صاحبِ منزلتِ اجتماعی هستید. شما در پاسخ به سؤال من مبنی برقتل 75 درصد ازتلفاتِ جنگ درافغانستان میگویید که مهم نیست طرفِ دیگرچقدر کشته است. من و شما در میدان جنگ حضور نداریم و شما به خاطر قتلِ این همه فردِ مُلکی به واسطهٔ طالبانِ افغان، آنهم در یک سال، میخواهید تا ما برای آنها کف بزنیم و تحسین شان کنیم؟
جنرال درانی: بلی، و این طبیعت ِچنین جنگی است. ممکن است شما بگویید که نیرو های خارجی کمتر کشته اند. دریک چنین جنگی، مردم خواه ناخواه کشته میشوند.
خبرنگار: ...یک جناحِ جنگ (امریکا) ملیاردها دالربه جناحِ دیگر(پاکستان) کمُک میکند و پاکستان به جای همکاری، میرود و از دمشنِ کمُک کنندهٔ یا طالبان حمایت میکند. به نظر نمیرسد که این جنگ، بسیار مضحک و مسخره باشد؟
جنرال درانی : (باخنده) : من فکرمیکنم که بسیارکمترازآنچه که باید پول می گرفتیم، دریافت کردیم.
خبرنگار: صد البته که امریکایی ها آنهمه پول را به خاطری که عاشقِ چشم و ابروی شما باشند، برای تان ندادند و هم برای آن نه دادند تا بروید و ازدشمنانِ شان حمایت کنید و برای شان پناهگاه های امن فراهم کنید.
جنرال درانی : ما آنان را فریب دادیم .
خبرنگار: در این صورت، بنابرگفتهٔ شما، رفتار پاکستان در طول سالهای اخیر، رفتار یک کشور خاین و دو روی بوده است؟
جنرال درانی : اگرشما قادر به سواری گرفتن همزمان از دو اسپ نیستید، نیازی به حضورتان در سرکس نیست. :
خواننده میتواند ازلابه لای این مصاحبه و این سخنانِ جنرالِ پاکستانی، عمقِ خباثت، فریبکاری، شراندازی، خونریزی، دو رویی و تروریست پروریهای جانب پاکستان علیه ملت بخون نشستهٔ افغانستان، هندوستان و سایرکشورهای منطقه را بخوبی درک نماید.

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ